

کاسیوس کلی

قهرمان مشت زنی

دو انسان بجان هم افتادند و چون دو خروس جنگی برای خوش آمد دیدن دیگران ، آنهایی که از رنج دیگران در خود لذتی حس میکنند و از دیدن خون بشوق می آیند و فاتح را هر که باشد و هر چه کرده باشد می ستایند ، تما سرحد هر گ یکدیگر را کوفتند و یکی که مشت های سنگین تری داشت دیگری را از پای در آورد و مردم غریو و غوغا برداشتند که (سونی لیستون) شکست خورد و کاسیوس کلی جای او را گرفت .

مردم فریاد زدند : « کلی » تو خیلی بزرگی ، تو خیلی بزرگی کلی پاسخ گفت : خدا بزرگ است ، خدا بزرگ است (الله اکبر) .

خبرنگاران که بدیدن سیاهی روستائی و بذله گو آمده بودند ، از شنیدن این شعاریکه خوردند ، قهرمانی که مردم برایش فریاد میکشیدند ، پیرویش را تبریک میگفتند ، راهی سوای آنچه که انتظار داشتند می پیمود .

آنچه که قبلاً از کلی شنیده بودند شوخی بود و خنده، و داستانها و اصطلاحات ساده و فکاهی روستا نشینان و انتظار داشتند پیروزمند سیاه باز هم دلقک بازی در آورد و همه چیز را به سخره بگیرد، اما برخلاف انتظار دانستند که او جزو جمعیت «مسلمانان سیاه» است. و جامعه آمریکا که از دیر باز با سیاهان عموماً و با مسلمانان سیاه خصوصاً کینه ای عمیق در دل دارند از فهم این موضوع ناراحت شدند اما کاری از دستشان ساخته نبود. مردی در رینگ در خود فرورفته بود و مردی دیگر بر کرسی افتخار و قهرمانی ایستاده بود و مردم تنها ستایشگر قهرمان بودند، فقط بدین عنوان که قهرمان شده بود.

حال اگر ما سخن از «کاسیوس کلی» که چندی پیش مسلمان شدن و غوغائی در جهان پیا کرد که سپاه قهرمانی اسلام آوردن پیش می کشیم نه بدین جهت است که او قهرمان هشت زنی شده و حریفه از پای آورده بلکه بانفس امر یعنی مشت زنی و دیگر کشتی سخت مخالفیم لیک این فرصت را غنیمت می شمیریم تا سخنی با طرفداران خود گم کرده تمدن غرب با همه وازد گپها و درهم ریختگیهایش در میان گذاریم.

ما «غرب زده ایم» و این تعبیر را از نویسنده بزرگ عصر، جلال آل احمد وام میگیریم که با غرب زدگیش پرده از بسیاری کارها برداشت و ناقوس خطر را صدا در آورد.

هر چه را که از غرب بیاید بجان می پذیریم و آن را بزرگی می شماریم و یک لحظه از اندیشه خویش کم نمیگیریم تا بسنجیم آنچه را که پذیرفته ایم سازنده است یا ویران کننده؟ و عجیب اینجاست که کاسه از آتش داغتر هم میشریم.

« راک اندرول » و « هورا هوپ » در آمریکا گرم و در ایران داغ و سوزنده است . اگر در آنجا گاه گاه « توئیست » داغ میکند اینجا در هر ساعت و هر دقیقه میسوزاند و خاکستر میکند .

فرانسوا ساگان را در اروپا بزرگ کردند و دروغین ستودند ، ما هم بی آنکه بدانیم چه میگوید و کیست ستایش کردیم و بر صدر نشانده‌ایم .

و دیگر نمونه‌ها که اگر ژرف‌نگریم چشم‌گیر است . و قابل توجه . ما مخالف پذیرش پیش رفتگیها و ترقیات اصیل غرب نیستیم ، چه ناگزیریم بپذیریم چون ما بر جا مانده‌ایم و آنها پیش رفته‌اند ، درهای بسته را گشوده‌اند و بفتوحات علمی فراوان دست یافته‌اند .

و اگر چون گروهی بمشقی افنخارات پوسیده گذشته قناعت کنیم و متعصبانه آنچه را که ایرانی است و شرقی اصیل و محترم بدانیم و جز آن را ویران کننده و بیخود ، راهی بغلط رفته‌ایم و هر گز روی پهریزی نخواهیم دید . ولی ما از جوانان ایران ، از آنها که قلبی سرشار از عشق وطن دارند و آرزومندند که روزی این خاک پهناور را آباد و سر بلند ببینند تقاضا داریم بدون هیچ تعصبی این موضوع را در نظر بگیرند و این احساس حقارت را در خود بکشند که ایرانی هرگز صاحب چیزی نخواهد شد و چون واپس مانده است اندیشه اش نیز ارتجاعی است .

ایرانی مسلمان است و اسلام بر پایه ، قرآن ، سنت ؛ عقل و اجماع استوار است . با اعتقاد باینکه قرآن از جانب خداست و توان ساختن و بنیان نهادن دارد باید در فهم آن کوشیده سنت

یعنی توجه بعمل پیامبر و جانشینانش و اینها را در ترازی عقل و اندیشه می‌سنجیم و با اجتماع در میان می‌گذاریم و چون با منطق صحیح پذیرای دل‌همگان شد بکار می‌بندیم و راه را آغاز می‌کنیم. در این صورت بی‌هیچ شبهه پیروزی حتمی است.

يك نگاه بوضع اجتماعی امروز آمریکا این الگوی تمدن و صنعت و هنر که بافرشتهٔ آزادیش چشم‌ها را خیره می‌کند و آپارتمان‌های چندین طبقه و بلندش نگه‌ها را باوج می‌کشاند و کلاه از سر می‌اندازد می‌فهماند که مشکل بزرگ امروز آمریکا که مانع پیشروی سریع این کشور شده مسئله امتیازات نژادی است آزادگان متمدن غرب! هنوز نتوانسته‌اند بسنجد پوستان بفهمانند که رنگ پوست و نژاد نمی‌تواند گروهی را بنعمت برساند و جمعی را از همهٔ مواهب زندگی محروم کند!

اگر امتیازی هست و باید مورد توجه قرار گیرد، گسترش اندیشه انسانیت و تقوی و پاكدامنی گروه یا فردی است نسبت به دیگران آنچنان که قرآن می‌گوید:

«ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (گرامی‌ترین شما نزد خدا

پر هیز کار ترین شماست)

نمی‌گوید فرزندان پیامبر گرامی‌ترند، نمی‌گوید اعیان و اشراف قریش بزرگ‌ترند، نمی‌گوید عرب بدیگران برتری دارد نمی‌گوید حاکم به حکومت فضیلت دارد نمی‌گوید... بلکه بزرگ‌تر کسانی هستند که تقوی داشته باشند. سلمان پارسی و عمار و بلال سیاه پوست بخاطر پاکدامنی و تقواشان بزرگ و گرامیند آنچنانکه پیامبر بلال را

با اینکه لکننت زبان دارد بر بام کعبه میفرستد خلق را بسوی خدا بخواند .
 این رسالت را بیلال سیاه میدهد تا عملاً امتیازات نژادی را مملوئی کند .
 امروز در آمریکا دو گروه از سیاهان سخت در کار مبارزه اند
 يك دسته طرفداران «**لوتر کینگ**» که خواهان تساوی حقوق سیاه و
 سفید و الغای امتیازات نژادی هستند و معتقدند با مبارزه منفی و عدم
 خشونت حق خویش را بدست آورند و دیگر گروه «**مسلمانان سیاه**»
 است که بر هبری عالیجاه محمد با شعار های تند و آتشی نا پذیر
 معتقدند که بالاخره آمریکا را فتح می کنند و اسلام باید همه آمریکا
 را تصرف کند . اینها اهل سازش نیستند و نمی خواهند با سفیدپوستان
 کنار بیایند:

اینان چون مسلمانند و خویش را پیرو قرآن میدانند نمیتواند
 دلیلی باشد که بی توجه بافکار و عقیده و عملشان مورد ستایش قرار
 گیرند . اسلام می گوید سیاه با سفید و زرد با سرخ مساوی و برابرنند
 این تساوی سیاهان حق نمیدهد که خود را برتر بشمارند و متأسفانه
 مسلمانان سیاه آمریکا این چنین عقیده ای دارند . ما بطرز مبارزه و
 عقاید این دو گروه کاری نداریم ، چه این بحث فرصتی دیگر لازم
 دارد و در این اندک نمی گنجد اما این توجه را باید داشت که هر
 معلولی علتی دارد . اگر امروز این عقیده یعنی پیکار خستگی ناپذیر
 و بدون سازش با سفیدپوستان نضج گرفته و هر روز بر تعداد مسلمانان
 سیاه باشعار های تند افزوده میشود بدین جهت است که سالیان دراز
 این قوم تحقیر شده اند ، از هر چه که دیگران داشته اند محروم
 بوده اند .

لنگستون هیوز شاعر سیاه پوست در شعری میگوید :

.

اهرام ثلاثه را من بالا بردم

واشنگتن کفشپایش را میداد من وا کس میزدم

اما حالا مرا در آمریکای خودم لپیخ میکنند

سپید پوستان متمدن! اینهارا از همه جا رانده اند ، اینها تازیانه
 خورده اند ، تحقیق شده اند ، سوخته اند و خاکستر شده اند ، در زیر
 دست و پاله و فشرده شده و مرده اند ، خورد شده اند و حالا این غده
 های درد تر کیده و با همه قواشان علیه بیدادگری سپید چهرگان سیه
 دل، عصیان کرده اند، اینها هم میخوانند عمل متقابل انجام دهند ، هر چه
 توان دارند بکار بیندازند تا انتقام بگیرند .

در ۱۹۰۸ سیاهی باسرتراشیده بنام «جک جانسون» در زنیگ-

بکس حریف سفید پوستش را از پای در آورد و مدت هفت سال در مقام
 خویش باقی ماند . در این مدت برای انتقام از سفید پوستان و بخاطر
 جبران شکنجه‌هایی که دیده بود و تحقیرهایی که شده بود چندین
 زن سفید پوست گرفت . با اینکه سفید پوستان آمریکا سخت کوشیدند
 که او را بجای خود بنشانند موفق نشدند .

اکنون (کاسیوس کلی) فاتح و پیروز مند بامشتهای گره کرده و

کشنده در برابر طرفداران تبعیض نژادی قرار گرفته است او نماینده
 هزاران سیاهی است که از همه چیز محروم بوده و هستند و شاید ضربه

های کوبنده و مؤثری بر پیکر آمریکا فرود آورد .

«کلی» ۲۴ ساله ، جوان و نیرومند فریاد عیزند، خدا بزرگ است و ندای او یکبار دیگر فریاد بلال سیاه را از بام کعبه جانمی بخشد . در آن جمعیت بی خبر و بی توجه ناگهان هیاهوئی پیا کرد که کلی میگوید **الله** که و این جریان جزو مهمترین خبرهای روز گردید همچنان که در پیش گفتیم تند روی سیاهان مسلمان زائیده شکستها، محرومیتها و تحقیرهای گذشته است . آنها رحم نکردند و اینها نیز در فکر ترحم نیستند .

ولی هر چه هست امروز قهرمانی ندای یکتا پرستی سرداده و اعلام کرده که دیگر بر نیگ بکس باز نخواهد گشت . باید هم اینطور باشد . **کلی**! هر گز بر نیگ باز نگردد، مشتهایت را گره کرده نگاه دار اما بدهان دشمن بکوب نه دست ، اسلام نه بت و نه بهیچ کس دیگر حق نمیدهد که برای بدست آوردن افتخاری موهوم بر ادارا انسانان را از پادار آوری .

اسلام دین محبت است و برادری ، دین مساوات است و برابری و دین جنگ است و پیکار علیه ظلم و زور و قلدری . اسلام رادرك كن ، اندیشه ات را بكار بینداز و با همه وجودت محمد ﷺ را بشناس و بندای قلب خویش گوش ده تا بخدا نزدیک شوی .

مسلمانان جهان تو را بخاند هاشان در گوشه و کنار این جهان پهناور دعوت کرده اند ، برو زند گیهاشان را ببین ، دردهاشان را بفهم . باشد که در تواتر کند و چون يك مسلمان واقعی برای بهبودزندگی همه مسلمانان جهان بجان بکوشی .